

شرق روزنامه

فرهنگ ایرانی

«فرهاد سمیعی»؛ باید سازماندهی شده به جنگ سرطان رفت	صفحه ۱۰
۹۲ درصد سرطان ها عامل محیطی دارند	صفحه ۱۰
بررسی یک پرونده جنایی؛ زنده به گور	صفحه ۱۲

روایت	
موی بلند؛ ۵۰۰هزار تومان تغییر چهره در دوساعت فرناز نشسته بود زیر دست آرایشگر. مژه می‌کاشت. یک ساعتی دراز کشیده بود و فاطمه یک‌به‌یک سر مژه‌های مصنوعی را چسب می‌زد و می‌چسباند روی پلکش. دختر جوان که بلند شد، چشم‌های دیگری داشت؛ سوای آن چشم‌هایی که وقت ورود به آرایشگاه فاطمه را نگاه کرده بود. یکی گفت «چه سهپلا شدی... دوستش باشد انگار. این‌کاره اگر نبودی، محال بود بفهمی مژه‌ها مصنوعی‌اند. دختری از آن طرف سلمانی پرسید: «خانومم مژه چند گذاشتی؟» فاطمه قیمت داد: «مژه کامل، ۳۰۰ هزار تومان، نیمه اگر بخوای، ۱۵۰ هزار». فرناز قبض ۳۰۰ هزار تومانی را دستش گرفت. یک سر رفت جلو آینه برای براشینک. کسی گفت خورش‌به‌حالش. موهای من که هرچه می‌کنم بلند نمی‌شود، مدام موخوره می‌شود، خیلی وقت است همین‌قدی مانده. خواهرش گفت: «به روی خودت نیازور، اکستنشن است.» دختری که حسرت خورده بود به بلندی موهای فرناز، به روی خودش آورد. رفت جلو، گفت: «بخشید چقدر اکستنشنان طبیعی است. اکستنشن است دیگر. هان؟» دختر برگشت، قرمز شده بود. گفت بله. دختر که تا آنجا رفته بود جلو، نمی‌توانست همین‌طوری برگردد. این بود که پرسید: «چقدر گرفتند؟ چند شاخه اضافه کردی؟...» فرناز بی‌آنکه سرش را برگرداند، همان‌جا از توی آینه نگاه کرد و جواب داد: «من ۲۵۰ شاخه، یک میلیون.» خواهر فرناز اضافه کرد: «البته من صدشاخه حدود ۵۰۰ شد، از فرناز کمتر می‌گیرد همیشه.» زنی از آن طرف سالن بلند گفت: «حالا موهاش طبیعی هست؟ خواهرشوفر من با موی طبیعی انجام داده بود براش درآمد سه‌میلیون تومان.» فرناز گفت: «اکستنشن‌کار من، موها را خودش وارد می‌کند، همین است که ارزان می‌گیرد...». خواهر فرناز شماره اکستنشن‌کار را داد و تاکید کرد که بگویند از طرف فرناز زنگ می‌زنند. گفت همه دوستانش مشتری اکستنشن‌کار خودش شده‌اند.	
	
اکستنشن‌کار که گوشی را برمی‌دارد، بعد از اینکه بگویی از دوستان فرناز هستی، نزدیک‌ترین وقت را بهت می‌دهد و تاکید می‌کند که ۱۲ آنجا باشی چون ساعت دو، یک مشتری دیگر دارد. اسمش ساراست. متولد ۶۷ است و موهای خودش را ۲۵۰ شاخه اضافه کرده. دسته‌های مویی را که قرار است روی سر مشتری اضافه شوند، ردیف می‌کند روی میز آرایش. انتخاب رنگ را می‌گذارد به سلیقه مشتری. در میانه کار هم حواش هست که توضیح بدهد به‌طور متوسط روزی دوتا مشتری دارد و البته که دم عید همیشه تعداد مشتری‌ها سر به آسمان می‌زند. این‌جوری است که باید از خیلی قبل وقت بگیردی. سارا به‌طور معمول بین ۵۰۰ هزار تا دومیلیون تومان در دست‌ها دریافت می‌کند: «بسته به اینکه چند دسته مو بردارند، هر دسته‌ها با نصیب می‌شود ۵۰۰ هزار تومان.» می‌گوید کارش خاص است و خیلی‌ها از همه‌جا می‌کوبند می‌آیند پیش او. چرا؟ چون با قلاب و چسب کار نمی‌کند؛ موها را با کرک‌این به موی مشتری‌ها اضافه می‌کند. قیمت‌هایش هم به گفته خودش مناسب است. چطور؟ «همین آرایشگاه داخل مرکز خرید یک سری بیزند، قیمت اکستنشن بین دو تا سه‌میلیون تومان، تازه این کیفیت را هم ندارد.» کار چقدر طول می‌کشد؟ بین دو تا چهارساعت. سارا می‌گوید نمی‌تواند بگوید با وجود چنین دستمزدی همه مشتری‌هایش از طبقه ثروتمند هستند، بلکه بخش قابل‌توجهی از آنها هم کارمندند و با حقوق‌های معمولی یکی، دومیلونی و اضافه می‌کند که نصف دختران تهران او را می‌شناسند. در اتاقی که سارا کار اکستنشن می‌کند، دختری هم کار ناخن انجام می‌دهد. روی یک میز تعدادی لاک چیده و ابزار کاشت ناخن و سوهان و... گذاشته و حالا مشغول کار گذاشتن نگین روی انگشت انگشتی یکی از مشتری‌هاست. دختر اصلا آمده بوده برای ترمیم ناخن. می‌گوید از خردادماه ناخن کاشته. چرا؟ «ناخن‌هام دایم می‌شکست و فرمش هم کوتاه و پهن بود... دوست نداشتم.» چقدر هزینه می‌کند هر ماه؟ پاسخش ناخن است: «برای کاشت ناخن، بار اول ۹۰ هزار تومان دادم و برای هربار ترمیم، ۴۵ هزار تومان می‌پردازم. هر ۱۵روز هم می‌روم برای سوهان کشی و... که می‌شود ۱۵ هزار تومان.» دخترک ماهی ۵۵ هزار تومان برای ناخن‌ها هزینه می‌کند. درآمدش چقدر است؟ ۸۵۰ هزار تومان. خودش می‌گوید کلا آدم کم‌خرجی است و خیلی برای سلمانی هزینه نمی‌کند، نمی‌تواند هزینه کند اما دوستانش با یک میلیون تومان هم خرج زیبایی می‌کنند، همین دختری‌ها دانشگاه....	
دختری که نشسته بود برای اکستنشن، با موی کوتاه آمده و با موی بلند برمی‌گردد. ۵۰۰ هزار تومان می‌شود خرج این رشد غیرمترقیه. تا کار اکستنشن دختر تمام شود، دوتا دختر دیگر می‌آیند برای کار ناخن و یک نفر هم قرار است تا نیم‌ساعت دیگر برسد برای کار اکستنشن. آن یکی را هم فرناز معرفی کرده است.	

گزارش

اصلاح چند صد هزار تومانی مردانه

وقت‌گرفتن و قرار گذاشتن با آرایشگران آرایشگاه مردانه، امروز به یک امر عادی تبدیل شده است؛ بر خلاف قدیم که مردها کنار هم توی آرایشگاه می‌نشستند و مجلات مختلف را می‌خواندند تا نوبت کوتاه‌کردن موی سرشان برسد. کار آرایشگاه‌های سابق معمولاً به کوتاه‌کردن و ماشین‌کردن مو و زدن ریش محدود می‌شد، اما حالا آرایشگاه‌های مردانه بالای شهر تهران، خیلی راحت‌تر به درست‌کردن ناخن و فر و صاف‌کردن مو و رنگ‌کردن موها و حتی گاهی موارد تاتو می‌پردازند. آرایشگری مردانه قبلاً با یک مغازه نقلی و چند میز و آینه و ابزار ساده به راه می‌افتاد، اما حالا سالن‌های بزرگ و چندین صندلی با موسیقی و تشریفات زیاد، در بسیاری از مناطق پایتخت پیدا می‌شوند. مراجعان که معمولاً مشتری‌های ثابت هستند، به آنجا مراجعه می‌کنند و پس از گرفتن انواع خدمات، ممکن است تا چندصد هزار تومان هزینه کنند و به منزل بازگردند یا شرکت کنند. آرایشگران مردانه، در تهران اتحادیه‌ای مخصوص به خود دارند که قیمت‌های خود را در ابتدای امسال نسبت به سال قبل دو برابر کرده بود اما مساله اینجااست که در اغلب موارد قیمت اتحادیه رعایت نمی‌شود. برای سال ۹۳، قیمت اصلاح سر درجه‌یک، بدون شست‌وشو ۱۲ هزار تومان، اصلاح سر درجه‌یک دانش‌آموزی هشت‌هزار تومان، اصلاح سر درجه‌یک با ماشین‌شش‌هزار تومان و اصلاح صورت با ماشین پنج‌هزار تومان است. با این حال، قیمت بسیاری از آرایشگاه‌های مردانه از نرخ اتحادیه تبعیت نمی‌کند. در اغلب آرایشگاه‌های مردانه مرکز شهر، نرخ کوتاه‌کردن ساده سر به طور متوسط ۳۰ هزار تومان است. در دوردشن از مرکز شهر به سمت جنوب، نرخ‌ها کمتر و به سمت شمال، نرخ‌ها بالاتر می‌رود. اما هنوز کسانی هستند که در برابر چنین قیمت‌هایی مقاومت می‌کنند. حاج آقا مسعود، ۷۰ ساله و ساکن شهرک اکباتان در غرب تهران، یکی از این افراد است که می‌گوید: «من باین موهای ریخته‌ام می‌روم می‌نشینم توی یکی از آرایشگاه‌های شهرک و موهایم را می‌زنند و پنج‌هزار تومان می‌گذارم و می‌آیم بیرون. سه‌سال است که همین پنج‌هزار تومان را می‌دهم.» اما از جوان‌هایی تعریف می‌کند که به آرایشگاهی می‌رفته‌اند که آرایشگر به‌رحی فوتبال‌بست‌ها یا بازیگران معروف بوده و بیشتر از ۱۵۰ هزار تومان از آنها دستمزد می‌گرفته است. حاج‌آقا مسعود می‌گوید: «واقعاً مردم را ساده گیر می‌آورند؛ یک جای خیلی شیک درست می‌کنند در بالای شهر و چند تا آدم معروف را هم می‌آورند و صدهزار، صدهزار از مردم پول می‌گیرند.» اما از آن سو، صنف آرایشگری هم مشکلات خودش را دارد. امسال اتحادیه توانست به نهاد های نظارتی بقبولاند که سن بازنستستی آرایشگران از ۳۰ سال به ۲۵ سال کاهش پیدا کند. معمولاً هر آرایشگری ۱۴ ساعت در روز کار می‌کند و سرپایستادن، باعث می‌شود که در طولانی‌مدت مشکلاتی مثل کمردرد و واریس و گردن‌درد سراغشان بیاید.



باشد؛ یعنی همان سرمایه‌گذاری بهتر. در مورد خانم متاهلی که از صبح تا شب در آرایشگاه است و من عرض کردم برای نگه‌داشتن سرمایه است، این سرمایه خواسته یا نداشته همان سایه‌ای است که در جامعه ما باید بر سر زن وجود داشته باشد تا اعتبارش را از آن بگیرد وگرنه کارها سخت‌تر پیش می‌رود. سرمایه‌های اجتماعی معمولاً با وجود همه توانایی‌های زن، به نفخ زن بیوه، مجرد یا سرپرست خانواده‌ انطور که برای مرد مجرد است، نیست....

❧ یعنی فضای ازدواج این اندازه ناامن است؟
مساله این است که حداقل تحلیل خانم‌هایی که گاهی با من صحبت می‌کنند، ترس از تردب‌بودن نوع ازدواجشان دارد. قوانینی وجود دارد که دست‌ها را برای ازدواج مجدد یا توانایی برای طلاق‌دادن همسرانشان باز می‌گذارد. در خانواده‌هایی که یک مرد موفق است، حفظ مرد برای یک زن بسیار شاق است. دختران دیگری هستند که زیاترند و موقعیت‌های بهتری دارند و اینها همه موجب ترس می‌شود. یک زن سرمایه‌گذاری تمام‌عمری می‌کند و خیلی موارد وجود دارد که درسش را نیمه‌تمام ول می‌کند، یعنی سرمایه اجتماعی و فرهنگی‌ای را که باید برای خود داشته باشد، در یک ازدواج صرف می‌کند. در نتیجه در میانه کار، وقتی نارو می‌خورد، چه باید بکنند. پس دست به گریبان آرایش می‌شود؛ آرایشی که حتی به صورت کاذب، موجب می‌شود زن‌ها اعتمادبه‌نفس بگیرند، زیبایی‌هایی را که ندارد برای خودش بخرد. به‌علاوه اینکه احساس ناامنی وجود دارد و البته اینکه زمان هم می‌گذرد و ردپای آن روی بدن زن می‌ماند پس اگر من بتوانم کارهایی کنم که خودم را جوان نشان دهم، می‌توانم با رقبای جوان‌تر رقابت کنم، من می‌خواهم روی این مساله پایداري تاکید کنم. یعنی در واقع یک‌سری آرایش‌ها هست که پایداری را به انسان می‌دهد، ولی خب از آن طرف خواهان‌خواه طبیعت، کار خودش را می‌کند.

❧ پس یعنی هیچ راه دیگری غیر از این نیست؟ یعنی زن‌ها باید دایم در حال تقویت زیبایی‌ها باشند؟

زیبایی‌ها را به صور متفاوت می‌توان حفظ کرد، مثلاً الان در اروپا هیکل ورزیده و سالم خیلی مد روز است، یعنی آدم‌ها وقت می‌گذارند، ورزش می‌کنند، ممکن است درلحظه مانند آرایش به چشم نیایند، اما به‌هرحال تاثیرگذار است. اینها در واقع موجب می‌شود که بگویم معیارهای زیبایی متغیر است. در کل معیارهای زیبایی استاندارد نیست.

❧ سوال من در مورد معیار زیبایی نیست. چه اهمیتی دارد که بخواهیم زندگی را حفظ کنیم؟

ما الان در حال صحبت‌کردن راجع‌به زنان هستیم اما مردان هم همین اندازه به زیبایی‌شان اهمیت می‌دهند. آرایش هم برای آنها همان‌قدر کار کرد دارد که برای زن‌ها دارد.

❧ آنها هم با همین دلایل؟ برای حفظ زندگی مشترک؟
من مقاله‌ای می‌خواندم که زن‌ها بر اساس معیارهای مردانه خود را زیبا می‌کنند و در آن مقاله آمده بود که مردان هم بر اساس معیارهای مردانه خود را زیبا می‌کنند. این ظاهر طرز تفکر حاکم است؛ یعنی نوع تفکری که حاصل سلطه مردانه است.

❧ به سوال من برگردیم. چرا زن باید این‌همه تلاش کند تا همسر پیدا و همسر را حفظ کند؟ زن‌ها به ساده‌ترین روش یعنی آرایش روی می‌آورند؟ جواب این را کامل نگرفتم، ممکن است لطفاً توضیح بیشتری بدهید؟

اگر برسیم به زنی که نیازمند مرد نیست، یعنی بتواند روی پای خودش بایستد، اساساً از نظر اقتصادی و فرهنگی کاراکتر مستقل داشته باشد، باید با فرهنگ مسلط جامعه درگیر شود. برگردیم چنین زنی را در نظر بگیریم که فردیت دارد، روی پای خودش است، استقلال دارد، سلیقه زندگی‌کردن دارد و سلیقه را می‌تواند هم به خودش و هم به اطرافیانش دیکته کند. در آن صورت آن جنبه آرایش زن چیزی بسیار شخصی می‌شود. چیز دیگری هم هست؛ آرایش با خودش یک جور نوآوری و هنر دارد، مثلاً این ناخن‌هایی که کاشت می‌کند، نقاشی‌ای که روی آن می‌کشند، جالب است و شاید فقط از نقطه‌نظر زیبایی‌شناختی و مرتب‌بودن اهمیت داشته باشد.

گفت‌وگو با «املیا نرسیسیان» درباره مخارج هنگفت مردم برای زیبایی:

جاودانگی همواره دغدغه بوده



سرمایه‌گذاری می‌کند؛ مثلاً به‌دست آوردن همسر بهتر. اما در این میان موارد بسیاری هم مشاهده می‌شود که زنان متاهلی هستند که نیازی به سرمایه‌گذاری برای به دست آوردن همسر ندارند اما کم‌اان این بازی را ادامه می‌دهند. در این موارد چه تحلیلی می‌توان ارایه داد؟

اگر شوهرکردن سرمایه بهتر است، در این‌صورت چنین زنی می‌خواهد سرمایه را حفظ کند!

❧ یعنی این‌همه احساس ناامنی در ازدواج وجود دارد؟ همه در حال سرمایه‌گذاری با حفظ‌کردن سرمایه‌اند؟ در همه جوامع این وجود دارد؟ و آیا می‌توان ضمانت کرد با وجود همه این سرمایه‌گذاری‌ها، ازدواج‌هایی که این‌همه سست هستند، ادامه پیدا کنند؟

داستانی داریم که در مورد جلال و جمال است. جلال برای مردان و جمال برای زنان است. زن باید جمال داشته باشد. این مساله جمال دایما تبلیغ می‌شود و به دست آوردن آن کاری ساده است و می‌تواند جواب دهد. من معتقدم اگر خودم را شبیه ایکس کنم که الگوی زندگی من است یا اصلاً اینها را نداشته باشم و فقط خودم را شبیه تصویری کنم که مدروز است و من فکر کنم اگر خودم را شبیه اینها کنم، می‌توانم به جای آنها باشم، این خودش می‌تواند ایجاد انگیزه کند، یعنی من اگر فکر می‌کنم موهایم را بیچیم یا مثلاً تزریق لب کنم تا شبیه فلان هنریشه شوم، این می‌تواند به من کمک کند. اگر دوفر هم به من گفتند تو چقدر شبیه فلانی هستی، یعنی من موفق شده‌ام. در نهایت من یک جور رضایت‌مندی درونی پیدا می‌کنم. همه اینها می‌تواند برای اینکه آدم‌ها سرمایه‌گذاری و خودشان را شبیه مدل‌هایی کنند که دوست دارند، انگیزه دهد. معمولاً هم این مدل‌ها از بالا دیکته

❧	❧	❧	❧	❧
معمولاً مدل‌ها از بالا دیکته می‌شود. کسی دوست ندارد مثلاً شبیه زن کارگر شود. شاید مثلاً یک‌زن کارگر دارای خصوصیات خوبی باشد، یا یک‌زن دانشمند. اما تا بخواهد اینها را ثابت کند کسی حوصله ندارد بشنود یا ببیند. پس من خودم را به صورت یک تابلو درمی‌آورم و به این امید که خوانشی از من شود که من می‌خواهم				

می‌شود. کسی دوست ندارد مثلاً شبیه زن کارگر شود. شاید مثلاً یک‌زن کارگر دارای خصوصیات خوبی باشد، یا یک‌زن دانشمند. اما تا بخواهد اینها را ثابت کند، کسی حوصله ندارد بشنود یا ببیند. پس من خودم را به صورت یک‌تابلو درمی‌آورم به این امید که خوانشی از من شود که خودم می‌خواهم. فکر می‌کنم این داستانی است که زیر بار آرایش قرار دارد. در مورد سوال دوم شما جواب منفی است، جوامع متفاوت ارزش‌ها و هنجارهای خاصی دارند که می‌تواند جزو ویژگی‌های خاص آنها و پاسخ آخرین سوال شما باشد، آرایش می‌تواند در برخی مواقع در حد کام اول روابط مستحکم‌تر باشد و گاه ایجادد هم‌گرایی بلکه واگرایی کند، ولی مسلماً در زندگی مشترک چیزهای بسیار جدی‌تری از آرایش وجود دارد و حرف آخر اینکه آرایش ماهیتاً نمی‌تواند متضمن خوشبختی یک‌زوج باشد.

❧ چه اهمیتی دارد؟ چرا ما آنقدر باید سرمایه‌گذاری کنیم و سرمایه‌مان را حفظ کنیم؟ آیا همه دنیا درگیر این سرمایه‌گذاری‌اند؟ آیا این سرمایه‌گذاری بابت نداشتن امنیت است؟

من امروز جایی بودم برای استخدام عده‌ای. خانم‌های دانشمندی حضور داشتند. شوهر یکی از خانم‌ها آدم معروفی بود. بخشی از وقت جلسه صرف معرفی همسر این خانم برای کسانی شد که این فرد را نمی‌شناختند. این زیر سایه شوهربودن، هنوز در جامعه ما مهم است، یعنی زن هویت خودش را هنوز بر اساس چه‌بودن خودش به دست نمی‌آورد، یعنی بستگی به این دارد که تون چه کسی، خواهر چه کسی و دختر کدام مرد هستی، متأسفانه فردیت زن با وجود تمام تلاش‌هایی که طی سال‌های گذشته شده، به آن صورتی که باید به وجود نیامده است. شاید من از طریق صورت و آرایش بتوانم خودم را به صورت متاعی دربیاروم که بتواند خریدار بهتری داشته

زن‌ها بیشتر از گذشته برای زیباتر کردن خود وقت می‌گذارند و هزینه می‌کنند. گویی رقابتی زیرپوستی در جریان است برای اینکه در نهایت، آینه بگوید تو زیباتری... با «املیا نرسیسیان» جامعه‌شناس و عضو هیات علمی دانشگاه تهران، درباره دلایل تمایل زیاد به آرایش‌های پایداتررو پرهزینه‌گفت‌وگو کرده‌ایم.

❧ در سال‌های اخیر با شکلی از آرایش مواجه شده‌ایم که با وجودی که چندان ارزان قیمت نیست و در مواردی گران‌قیمت هم هست، بازهم تب استفاده از آنها در میان زنان وجود دارد، برای مثال اکستنشن مو یا کاشت ناخن. چرا با این همه گرایش به سمت این دوفعالیت آرایشی مواجه هستیم؟

موضوع جالبی که در سوال شما هست، این است که داریم راجع به اکستنشن مو و ناخن صحبت می‌کنیم که گویا با نوعی از آرایش سروکار داریم که جنبه ثابت‌تری دارد، مثلاً یک‌سری ماتیک‌ها هست که دیر پاک می‌شود یا ریمل‌های ضدآب که زیبایی را برای مدت نسبتاً طولانی‌تر ثبت و ضبط کند. وقتی در محافل زنانه صحبت از استفاده ژل و بوتاکس می‌شود، سوال اول خانم‌ها در مورد پایداری و زمان ماندگاری این نوع از آرایش است. مساله پایداری و جاودانگی نه‌تنها برای مصرف‌کنندگان لوازم و مواد آرایشی، بلکه با نگاهی به محتوای اساطیر و داستان‌ها و حکایات گذشتگان متوجه می‌شویم مساله جاودانگی و حفظ جوانی همواره جزو دغدغه‌های مهم انسان بوده است. به نیکی می‌دانیم با گذشت عمر، انسان برخی از زیبایی‌های دوره جوانی را از دست می‌دهد. مو و ناخن نیز از این روند مستثنا نیستند. پس با خرج‌کردن مقداری پول، می‌توان جوانی را و متعاقباً زیبایی را به دست آورد و به یکی از دغدغه‌های انسان هرچند به شکل مصنوعی خاتمه داد. از دیدگاهی دیگر می‌توان گفت استفاده‌کنندگان این نوع از خدمات آرایشی، زیبایی را از نظر خود جانشین زشتی می‌کنند، جوانی را جانشین سالخوردگی، مصنوع را جایگزین طبیعی، گذشت زمان را به نفخ خود تغییر می‌دهند و مرزهای دوگانگی‌های فوق را درهم می‌شکنند و نهایتاً با دستکاری و مدیریت ظاهر، هویتی هرچند موقت در عرصه زمان، ولی جدید به خود می‌دهند و از این‌همه تغییر و مقابله با زمان لذت می‌برند. از طرفی دیگر، نیاز به ترمیم این نوع از آرایش قسمتی از برنامه‌های زمانی استفاده‌کنندگان را پر می‌کند و حتی می‌توان گفت به زندگی خیلی از افراد معنی می‌دهد؛ به‌اضافه اینکه بهانه‌ای برای آرایشگاه‌رفتن و دیدارهای زنانه، سرگرمی و به‌روزکردن اطلاعات آرایشی است. بررسی جنبه طبقاتی مساله در حیطه آرایش موضوع بسیار دشواری است، برای مثال در مورد بورژوازی صحبت می‌کنیم. کدام بورژواها؟ بخشی از بورژواها به قول بورديو افرادی هستند که خست به خرج می‌دهند و پولشان را نگه می‌دارند و ریاضت را پیشه و سعی می‌کنند برای نسل آینده خود سرمایه‌ای را به ارث بگذارند به عبارتی حال را فدای آینده می‌کنند. در مقابل، قشر دیگری از بورژوازی وجود دارد که سخت پابیند اخلاق لذت‌جویی و تفریح است. از وام‌گرفتن و اسراف ابایی ندارند و خواستار صعود در سپهر اجتماعی هستند و اینها هستند که هم توسعه‌دهندگان اقتصادی‌اند و هم مصرف‌کنندگان واقعی و لذت‌جو. در نتیجه پول خرج‌کردن برای آنها در سالن‌های آرایش، خریدن فتیش کالا و خدمات، جزو الزامات زندگی و لازمه خاستگاه اجتماعی – فرهنگی آنهاست.

❧ جنبه پایداری، سرگرمی و فتیش کالا همیشه بوده است. چه شده که در چندسال اخیر این موارد دارای اهمیت زیادی شده است؟ از چه زمانی این ماجرا آنقدر مهم شده است؟

این سرمایه‌گذاری است. سرمایه‌گذاری در آرایش مهم است. چندتافاق در این میان می‌افتد؛ یکی اینکه باز همان جنبه اجتماعی قضیه را نگاه کنید، یک‌سری ارزش‌ها از جمله ارزش‌های زیبایی در یک طبقه خاص و عموماً حاکم ایجاد می‌شود و به‌علت سازوکار قدرت مشروعیت می‌یابد که به طبقه پایین‌تر که خواهان تقلید و الگوبرداری از آنان است، منتقل می‌شود؛ یعنی در واقع معیارهای مسلط، به طبقه‌ای که مسلط نیستند، تسری می‌یابد. این فرآیندی دینامیک است که مدام در حال بازتولید است و قرار نیست جنبه پایا داشته باشد. تمایل به تقلید و گاه شاید رقابت و چشم‌وهم‌چشمی و برقراری تدریجی دموکراسی در مصرف به معنی دسترسی مشابه با کیفیت مشابه در آرایشگاه‌ها‌ی نه‌چندان گران، فرد هم هویت صوری «زیبا» و هم ارتقای طبقاتی می‌یابد. به عبارت دیگر، این آرایش هم هویت فردی و هم هویت اجتماعی و متعاقباً تمایز بین خود و دیگری را رقم می‌زند هم جنبه زیبایی‌شناختی، اقتصادی، ذهنی و هم جنبه عینی را دارد. باز به قول بورديو هم خودش را طبقه‌بندی می‌کند و هم دیگران او را. اینجااست که کلیشه‌ها یا طرح‌واره‌ها ایجاد می‌شوند، متنی را ایجاد می‌کنند که قرائت و برداشت‌هایی را به دنبال دارد.

این کلیشه‌ها برای من کار قضاوت در مورد ابژه را آسان می‌کند و رفتار مرا نسبت به ابژه کنترل می‌کند و رقم می‌زند. این موضوع در مبحث طرح‌واره‌ها یا ادبیات علوم‌اجتماعی و شناختی جایگاه ویژه‌ای دارد. انواع و اقسام کلیشه‌ها وجود دارد که موجب می‌شود آدم‌ها را از طریقی آنها مورد خواش قرار دهیم. آنها آرایش می‌کنند تا خوانشی را ایجاد کنند که خودشان می‌خواهند در مورد آنها ایجاد شود. آنها دل‌هایی را ایجاد می‌کنند که مدلول‌هایی را ایجاد می‌کنند. من به عنوان فرد ممکن است آرایش‌ها داشته باشم که بخواهم خوانش خاصی از خودم را ارائه دهم. اما برای موقعیت‌های متفاوت رفتارهای متفاوت و آرایش‌های متفاوتی را بنا بر ضرورت محیط در نظر می‌گیریم. چرا؟ چون از محیط‌ها هم طرح‌واره‌هایی بر اساس تجارب قبلی خود داریم. این داستان در مورد به‌کارگیری زبان هم صادق است. انسان در محاورات معمولی هم با در نظرگرفتن موقعیت خویش و موقعیت طرف مقابل، شروع به صحبت می‌کند، یعنی با در نظرگرفتن موقعیت‌ها نحوه سخن‌گفتن را عوض می‌کند. باری به هرجهت، این جنبه فردی و اجتماعی قضیه در مورد آرایش بسیار مهم است. وقتی من خودم را شبیه دیگران می‌آریم، اتحاد و فرهنگ مشترکی ایجاد می‌کنم.

❧ این اشتراک قرار است چه چیزی به همراه داشته باشد؟

حسن امنیت، یگانگی و بشنگرمی، هماهنگی فرهنگی، برابری اقتصادی و طبقاتی، جهان‌بینی مشترک و هم‌اندیشی را به ارمان می‌آورد.

❧ به سرمایه‌گذاری روی زیبایی برگردیم. همیشه این سرمایه‌گذاری مهم بوده یا در سال‌های اخیر مهم‌تر شده است؟ مقصود این است که آیا همیشه زن‌ها برای سرمایه‌گذاری روی ظاهرشان این‌همه حساس بوده‌اند؟

احساس می‌کنم سوال شما همراه با سوگیری منفی به امر آرایش است. اگر اینطور است، اجازه دهید من هم موضع خودم را تعیین کنم. من مخالف آرایش خانم‌ها نیستم. چرا؟ چون فکر می‌کنم آدم‌ها اختیار ریخت و قیافه خودشان را حتماً دارند؛ یعنی حداقل باید این آزادی را داشته باشند که آرایش بکنند یا نکنند. این می‌تواند جزو اختیارات بشر باشد. ولی همین اختیارات بشر، ما را به سرمنشا خوانش‌های قضیه بازمی‌گرداند. اگر من می‌خواهم جایی استخدام دولتی و رسمی شوم، سعی می‌کنم خودم را با معیارهایی که آنها می‌پسندند، منطبق کنم. یا اگر بئاتست بروم در یک شرکت خصوصی کار کنم، معیار آنها را در نظر می‌گیرم. این رفتار به هوش اجتماعی آدم‌ها برمی‌گردد. هوش اجتماعی مهم است. در واقع خودش می‌تواند انعکاس زیرکی‌های یک‌فرد باشد که بتواند بفهمد در اطرافش چه می‌گذرد. سرمایه‌گذاری روی بدن به صورت آرایش بعضی اوقات به شکل سرمایه‌گذاری‌نکردن روی بدن از طریق عدم به‌کارگیری آرایش به دست می‌آید؛ یعنی من اگر آرایش می‌کنم که بتوانم چیزهایی را به دست بیاورم، گاهی اوقات برای بدست‌آوردن اهداف یا مطلوب خود، آرایش نمی‌کنم حالا به سوال شما برگردم. گاه آرایش‌نکردن خود نوعی سرمایه‌گذاری به طریقی دیگر است.

❧ ما داریم روی جنبه‌هایی صحبت می‌کنیم که با تلاش و هزینه زیاد به دست می‌آید، یعنی کسی برای به‌دست آوردن سرمایه بهتر بعدی